



سخنرانی امام در فرودگاه امام آمد

بانگ «الله اکبر»
و خمینی امام ماست
فرودگاه را به لرزه در آورد

امام خمینی پس از سال‌ها دوری و تبعید به کشور بازگشت. ایران اسلامی شاهد بزرگترین و تاریخی‌ترین استقبال بود. حضور میلیونی مردم که صف مستقبلین را از فرودگاه تهران تا بهشت زهرا امتداد داده بود، حاکی از عشق و علاقه بی‌نظیر آنها به رهبر خویش بود.

۱۲ بهمن در یک نگاه

می‌کنم از قشرهایی که متصل شدند به ملت.

* با وجود سرمای زمستان، دیشب هزاران مشتاق زیارت حضرت امام، در مسیر حرکت ایشان خوابیدند.

* در حالی که مراسم ورود حضرت امام به طور مستقیم از تلویزیون پخش می‌شد، نظامیان با یورش به این سازمان از ادامه پخش آن ممانعت کردند.

* عده‌ای از مردم با قطع جریان پخش مستقیم ورود حضرت امام از تلویزیون به علت هجوم مأمورین نظامی، از عصبانیت تلویزیون‌های خود را به خیابان پرت کردند.

* امام خمینی در شب اول اقامت خود در مدرسه رفاه، طی سخنانی با اعضای کمیته استقبال، بر لزوم حفظ وحدت تأکید نمودند.

که نمی‌توانم جبران کنم. ایشان ضمن اشاره به اینکه طرد شاه از کشور قدم اول پیروزی بود، همگان را به وحدت کلمه و ادامه مبارزه تا قطع کامل ریشه‌های فساد ترغیب کردند. ایشان سپس از آنجا عازم بهشت زهرا شدند.

* حضرت امام در اولین سخنرانی خود در میان انبوه مستقبلین مشتاق در بهشت زهرا، گفتند: من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولاد خودشان را از دست داده‌اند می‌افتد، سنگینی‌ای در دوشم پیدا می‌شود که نمی‌توانم تاب بیاورم. محمدرضا پهلوی فرار کرد و همه چیز ما را به باد داد. مملکت ما را خراب کرد و قبرستان‌های ما را آباد. ایشان اضافه کردند: من دولت تعیین می‌کنم، من توی دهن دولت می‌زنم ... من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم. من به ارتش یک نصیحت می‌کنم و یک تشکر [اما] می‌خواهیم ارتش مستقل باشد. آقای ارتشبد شما نمی‌خواهید؟ آقای سرلشکر شما نمی‌خواهید مستقل باشید؟ و اما تشکر

* حضرت امام به هنگام خروج از فرانسه با ارسال پیامی خطاب به مردم فرانسه، ضمن اظهار تشکر از آنها خداحافظی کردند.

* امام خمینی پس از اقامه نماز در کف هواپیما، روی دو پتو با آرامش خوابیدند. این در حالی بود که همه علاقمندان، دوستداران و نزدیکان ایشان، نگران انجام این پرواز بودند. خطر انهدام هواپیما و یا ربودن آن در آسمان چیزی بود که همه را تا لحظه فرود آن در فرودگاه تهران، نگران ساخته بود.

* با ورود حضرت امام به سالن فرودگاه، فریاد «الله اکبر» سالن فرودگاه را به لرزه در آورد. مستقبلین با خواندن سرود «خمینی ای امام»، اشک‌های مشتاقان را بر گونه‌هایشان جاری کردند.

حضرت امام طی بیاناتی در فرودگاه تهران گفتند: من از عواطف طبقات مختلف ملت تشکر می‌کنم. عواطف ملت ایران به دوش من بارگرانی است

غاصب هستید و خائن به ملت ما، و ملت ما دیگر تحمل شما نوکرهای خارجی را نخواهد کرد. باری اینها باید بدانند که وقت آن که قلدری بکنند گذشت. من ملت ایران را به ادامه ی نضت دعوت می کنم تا این قلدرها را بر جای خودشان بنشانند، لکن آرامش را از دست ندهند. من از همه ی ملت ایران تشکر می کنم و در اولین فرصت پیش مردم به ایران خواهم رفت تا با آنها یا کشته شوم و یا حقوق ملت را بگیرم که به ملت برگردانم. خداوند همه ی شما را توفیق بدهد، ملت ایران باید بداند که این شخص که متکفل حکومت شده است، به ایل خودش خیانت می کند. آن ایلی که پشتوانه ی ایران بودند و رضاشاه آنها را از پای در آورد. این شخص به ایل خودش، به ملت خودش خیانت می کند. باید ایل بختیاری بداند که این اشخاص را که به آنها خیانت می کنند از جلو راه ملت بردارند. باید ارتش بداند که اینها خیانتکارند و به آنها کمک نکنند. باید همه ی ایران بدانند که توطئه ای در کار است. از این توطئه باید جلوگیری شود. این آخرین قدمی است که این خائنین بر می دارند و ما ان شاء الله این قدم را هم می شکنیم و پیش شما می آییم و آنها را به جای خودشان خواهیم نشاند.»

صبح روز ۱۱ بهمن روزنامه‌ها تیتیر زدند: فردا امام به ایران خواهد آمد.

این تیتیر کافی بود تا دوست‌داران امام را از شهرهای مختلف به تهران بکشاند. خیابان‌ها شسته شود و بر سر راه گل گذاشته شود. هواپیمایا ایرفرانس در آسمان ایران بود و دقایقی دیگر قرار بود سیدی از قم را در آغوش بگیرد. کسی که تحقیقا بزرگترین نماد اسلام در عصر ما و دوران ما و حتی ماقبل آن بود. اولین بنیان‌گذار حکومت اسلامی پس از جدش علی علیه‌السلام.

با همه سختی‌ها به ایران آمد. با اینکه احتمال داشت هواپیمایش را بربایند یا حتی آن را منفجر کنند. اما این‌ها حتی ذره‌ای در دل امام اثری نداشت زیرا به خدا تکیه داشت.

هواپیما بر زمین نشست. مردم سر از پا نمی‌شناختند. امام پس از سخنرانی، از فرودگاه مستقیماً به بهشت زهرا رفتند. دریایی از انسان‌ها همه جا موج می زد و اتومبیل با کندی می توانست حرکت کند. ساعت‌ها طول کشید تا این فاصله ۳۳ کیلومتر طی شد. اتومبیل حامی امام را ده‌ها موتور سوار حفاظت می کرد.



بازگشت امام خمینی به ایران

بهمن ۵۷ که رسید انگار خونی تازه در رگ‌ها جوشیده بود. شنیده بودند حاج آقا روح‌الله دیروز و امام خمینی امروز قرار است به ایران بازگردد. جوانان و پیرها، کودک و بزرگ، زن و مرد سر از پا نمی‌شناختند. حتی آن‌ها که فقط از حاج آقا روح‌الله اعلامیه‌هایش را دیده بودند. تهدیدات بختیار نیز نتوانست از آمدن حضرت امام جلوگیری کند.

بعد از آنکه شاه از ایران فرار کرد همه باور کرده بودند قرار است اتفاق بزرگی بیفتد و با آمدن امام این اتفاق بزرگ یقیناً رخ می‌داد. همه منتظر آمدن بودند. امام طی پیامی، نکات تازه‌ای را برای هوشیاری مردم یادآور می‌شوند. همزمان با سایر شهرها، در تهران نیز راهپیمایی‌ها ادامه می‌یابد و فریاد الله اکبر جمعیت میلیونی لرزه بر اندام آخرین بقایای طاغوت می‌اندازد. انسان‌های بپا خاسته و از جان گذشته با عزمی پولادین می‌روند تا سرنوشت مملکت خود را به دست بگیرند و همگی خواستار انحلال حکومت پهلوی و تشکیل حکومت اسلامی هستند و با شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، خط مشی آینده را ترسیم می‌نمایند.

بختیار که با حمایت آمریکا و به عنوان یک چهره ی ملی قصد مهار انقلاب و خاموش کردن شعله‌های قیام را دارد، خود را در این امر ناتوان می‌یابد و می‌کوشد که با قانونی جلوه دادن دولت خود، قیام مردم را سرکوب نماید. مخالفت خود را با بازگشت امام اعلام، و دستور بسته شدن فرودگاه‌های کشور را می‌دهد. در پی انتشار این دستور مردم خشمگین، به خیابان‌ها ریخته و با تحصن و شعارهای کوبنده دولت بختیار را مخاطب قرار می‌دهند. امام (ره) در روز پنجشنبه پنجم بهمن که از بازگشت ایشان به ایران جلوگیری شد، ضمن مصاحبه ای فرمود: «من از ایرانیانی که با من همراهی کرده اند متشکرم. من می‌خواستم فردا را در میان ملت باشم و هر رنجی که آنها می‌برند من هم با آنها باشم. لکن دولت خائن از این امر مانع شده و همه ی فرودگاه‌های ایران را بست. من پس از باز شدن فرودگاه‌ها، بلافاصله به ایران خواهم رفت به او خواهم فهماند که شما